

همزیستی... آشتی... سازش و سپس تسلیم!

ارقام موجود تصور می شود که ۵۰۰۰ میلیون دلار اسلحه دیگر در عرض ۵ سال آینده دریافت خواهد کرد.

به تعبیر دیگر از زمان انعقاد پیمان کمپ دیوید مصر ۶۵۰۰ میلیون دلار بخاطر خرید تسلیحات از امریکا مدیون آن کشور گشته است.

شک نیست که هر چه در مورد مصر و سادات گفته شود و ارقام آورده شود در مقابل خیانتی که او انجام داد نمی تواند گویایی داشته باشد ولی اشاره به این مختصر بدین دلیل است

که روند «صلح خائنه» را مشاهده کرده و بدانیم که بقول معروف هرگردی گردو نیست و اگر کسی خیال کند که چون فلان شخص چریک پیری است و لذا اهل مماشات و سازش و تسلیم نیست ره به ترکستان برده و در جهل مرکب قرار دارد. از قضا این حرف در مورد چریک پیرخودمان نیز مصداق پیدا کرد.



با توجه به مطالب فوق است که در مورد سرنوشت فلسطین خطر کاملا محسوس و نزدیک است. بدین ترتیب که

- امریکا و اسرائیل طرح می ریزند.
- شاهزاده فهد این طرح را ارائه می کند.
- یاسر عرفات این طرح را می پذیرد.

و این روند جریانی است که اگر با دقت و هوشیاری با آن برخورد نشود یقینا اسرائیل و امریکا به اهداف استراتژیک خود دست خواهند یافت. بدین طریق که با به سازش کشاندن فلسطینی ها اول موجودیت اسرائیل را تثبیت می کنند و سپس در مرحله دوم هم جنبش فلسطین و هم دولت های عرب را در معرض خطر جدی و سپس نابودی قرار می دهند.

سازمان آزادیبخش فلسطین برهبری یاسر عرفات در تأیید صلح خائنه فهد اول بار اعلام کرد که «این طرح دارای نکات مثبت و سازنده ای است».

البته بجز نت میتوان گفت که این سخن یاسر عرفات با تکیه بر ملاحظات سیاسی است که سازمان آزادیبخش فلسطین امروز شدیداً در این جهاد

پایگاههایش را در اختیار امریکا قرار دهد و شرایط حاکم بر منطقه و احتیاجات تمدن غرب که به نفت این منطقه متکی است ایجاب می نماید که امریکا در اینجا حضور داشته باشد».

(آسوشیتد پرس ۲۹ دسامبر ۱۹۷۹)
هنوز چند ماهی از این سخنان نگذشته بود که سادات در ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۰ به روند خیانت ابعاد وسیع تری بخشیده و در مصاحبه با

موضع گیری قاطع امام خمینی

توانست مهر سکوت را از لبان بعضی از رهبران عرب برگرفته و طرح امریکایی فهد را در کنفرانس فاس به شکست بکشاند.

تلویزیون ژاپن گفت: «چرا امریکا برای حفاظت از کسورهای حوزه خلیج فارس در مقابل تهدیدات شوروی کاری انجام نمیدهد» و حتی پیشنهاد ارائه تسهیلاتی برای سهولت مداخله امریکا در حوزه خلیج فارس و در ایران برای آزاد سازی جاسوسهای گروهان امریکایی می کند. و بدین ترتیب است که سادات که زمانی برای آزاد کردن مصر از قید و بند فاروق در کنار عبدالناصر انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ را بوجود آورده

امریکا قصد دارد با به سازش کشاندن فلسطینی ها اول موجودیت

اسرائیل را تثبیت کند و سپس در مرحله دوم هم جنبش فلسطین و هم دولت های عرب را در معرض خطر جدی و سپس نابودی قرار دهد.

بود پس از گذشت قریب به دو دهه به سر سپرده ترین مهره امریکا در منطقه تبدیل می گردد و چنان درهای مصر را بروی امریکا می گشاید که حتی برای اربابان کاخ سفید نیز تعجب آور است و چنان بگین را به اغوش می کشد که حتی مزدوران عربستان را خوش نمی آید.

کمال حستملی وزیر امور خارجه در اوت ۱۹۷۹ گفت: «امریکا زرادخانه خود را به روی مصر باز کرده است و این باعث امیدواری ما به آینده است» و طبق اطلاعات منتشر شده در مطبوعات غرب مصر تاکنون حدود ۲۰۰۰ میلیون دلار اسلحه وارد کرده و طبق آخرین

ارائه طرح صلح از جانب شاهزاده عربستان سعودی برای حل مشکل خاورمیانه و فلسطین و پذیرش این طرح از جانب بعضی از جناح های فلسطینی نشان داد که گویا قرار است یکبار دیگر تراژدی کمپ دیوید بشکلی دیگر به اجرا درآید. و بازیگر اصلی این درام اکنون جناح هایی از رهبران فلسطینی می باشند که در زیر تازیانه های امپریالیسم و صهیونیسم توان مبارزاتی را از دست داده و مسلسلها را بر زمین گذاشته زیتون در دست بدنبال صلح می دوند!

و این نوشته مروری است بر روند این تراژدی که این پرده اش «کمپ دیوید دوم» نام دارد.



در پنجم ژانویه ۱۹۷۵ انور سادات رئیس جمهور معدوم مصر در مصاحبه با نشریه الانوار گفت:

«اگر امریکا در خاورمیانه مداخله نظامی بنماید اعراب میدانهای نفت منطقه را منفجر خواهند کرد».

سادات این سخن را هنگامی بیان کرد که هنری کیسینجر وزیر خارجه وقت امریکا برای اولین بار آشکارا تهدید کرده بود که امریکا در خلیج فارس ممکن است دست به مداخله نظامی

بزند.

شاید سادات آزمان حق داشت که چنین حرفی را به زبان آورد چرا که پس از مرگ عبدالناصر ریاست کشوری را بعهد گرفته بود که دارای سوابق درخشانی بود.

ولی دیدیم که حدود ۵ سال بعد از این اظهار یعنی پس از انعقاد قرار داد صلح جداگانه مصر و اسرائیل به کمک امریکا سادات دیگر حرفهایش عوض شده بود وی در آزمان گفت:

«کشورهای ثروتمند عرب در خلیج فارس هراسان هستند. مصر آماده است در صورتیکه امریکا دفاع از این کشورها را بعهد گیرد

دام گرفتار آمده است. و یقیناً در این میان کمکهای نسبتاً کلان عربستان سعودی به سازمان آزادیبخش فلسطین هرگز نمی تواند در موضع گیری این سازمان تاثیر نداشته باشد.

البته دلیل دیگری را هم برای اتخاذ این موضع از جانب عرفات می توان آورد و آن سخن گهربار امام خمینی است که: «اتکاء به مسلسل و تانک و غفلت از خداوند قادر و جنود الهی انسانهارا به ورطه هلاکت و فضاحت می کشاند» و اینطور است که وقتی دولت ایمان نبود تجهیزات جهنمی دشمن رعب و وحشت در دل افکنده و با استفاده از حساب و کتابهای سیاسی یعنی با اتکاء به «منطق چرتکه» به این نتیجه می رسد که چون ما را در مقابل خصمی اینچنین قدرتمند یارای مقاومت نیست لذا باید بطور آبرومندانه ای از در صلح و آشتی درآمد تا بدین ترتیب کشوری را هرچند کوچک و هرچا که امکان پذیر باشد بدست آورد و سپس با تقویت نیروها و کمکهای خارجی به مقابله و مبارزه با صهیونیسم ادامه داد و این چیزی نیست جز همان سیاست «گام به گام» چریک پیر خودمان که بقول امام بر همان گام اول قدمت را می شکنند. و اکنون با اتکاء به این مواضع از جانب

بوجود آورد عبارت از این بود که چون این طرح مستقیماً بین اسرائیل و مصر و با وساطت امریکا صورت گرفته بود لذا عربستان سعودی! نیز با این طرح صلح به مخالفت برخاسته و حتی با مصر قطع رابطه کرده بود و بدین ترتیب آینده صلح! در خاورمیانه در معرض مخاطره قرار گرفته بود ولی گویا با از بین رفتن سادات این سد شکسته و راههای خیانت و سازش هموارتر گشت.

امریکا با حضور نظامی گسترده در خلیج فارس و خاورمیانه و بخصوص انعقاد قرارداد استراتژیک با اسرائیل نشان می دهد که هرگز نخواهد گذاشت منافع خود و رژیم اشغالگر قدس از طرق نظامی در معرض تهدید قرار گیرد و مانور ستاره درخشان چشمه ای از این زهر چشم امریکاست و این مانور نشان می دهد که امریکا به هر طریق که باشد قصد دارد از کیان صهیونیستی و منافع خود در منطقه که حفظ

نخواهد پذیرفت. و جالب اینجاست که پس از شکست طرح صلح فهد معلوم گردید این طرح حاوی جزئیات نیز می باشد که تنها یک موردی این است که دولت فلسطینی که در نوار غزه و غرب رود اردن تشکیل می شود تا ۲۵ سال حق داشتن ارتش را نخواهد داشت. و بعید به نظر میرسد که عرفات از این امر بی خبر بوده باشد. علی ایحال هدف امریکا از اینهمه اقدامات نظامی و سیاسی در حال حاضر تثبیت «موجودیت اسرائیل» و قبولاندن آن به کشورهای عرب و فلسطینی ها است و در صورت امکان بوجود آوردن اختلاف شدید بین سران عرب.

از طرف دیگر امریکا متقاعد شده که باید با سازمان آزادیبخش فلسطین به معامله بپردازد. و در اجرای این هدف است که برژنسکی اعلام می دارد امریکا باید به تحریم یک جانبه اش علیه سازمان آزادیبخش فلسطین خاتمه دهد و یک نوع مذاکره ای را که باعث بیشتر میانجی

امریکا با حضور نظامی گسترده در خلیج فارس و خاورمیانه و بخصوص انعقاد قرارداد استراتژیک با اسرائیل نشان میدهد که هرگز نخواهد گذاشت منافع خود و رژیم اشغالگر قدس از طرق نظامی در معرض تهدید قرار گیرد.



ساختن این سازمان و نتیجتاً منجر به مذاکره ای در حل مسائل سواحل غربی و نوار غزه می شود در پیش گیرد.

و گویا مسئله برای عرفات خوب جا افتاده از اظهارات فورد و کارتر روسای پیشین امریکا که در ملاقاتهای پس از مرگ سادات گفته بودند دولت امریکا باید واقعبینانه سازمان آزادیبخش فلسطین را بپذیرد بسیار خوشحال گشته و این نوعی پیروزی دیپلماتیک بحساب می آید. ولی جناب عرفات فراموش کرده که هرگز شناسائی سازمان آزادیبخش فلسطین از جانب امریکا یک شرط اصلی و اساسی را مقدم بر آن دارد و آن قبول شناسائی موجودیت اسرائیل از طرف فلسطینی هاست و شاید هم عرفات نه تنها فراموش نکرده بلکه خواهان موجودیت کشوری بنام اسرائیل نیز باشد پس چندان هم بی دلیل نیست که کارشناسان سیاسی توافق رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل در جریان برقراری صلح از جانب فلیپ حبيب در ماه اوت گذشته را شناسائی اسرائیل توسط ساف دانستند. و برای آگاهی بیشتر لازم است بدانیم که انور سادات در جریان بازدید از واشنگتن از کاخ سفید و رونالد ریگان می خواهد که به طرح آتش بس فلیپ حبيب اقدامات دیگری را نیز اضافه کنند و خواستار مذاکرات امریکا با سازمان آزادیبخش فلسطین در جهت حرکتی برای برقراری صلح در خاورمیانه می شود و می گوید که بقیه در صفحه ۷۰

رژیمهای مرتجع است دفاع نماید. و تجهیز سرسام آور عربستان از جانب امریکا پرده از نیات پلید امریکاییسم در منطقه بر میدارد. ولی همگام با این اقدامات تجاوزکارانه امریکا با نقاب صلح برچهره تلاش می کند تا در عین حفظ منافع خود «صلح امریکایی» را در منطقه برقرار سازد. هنوز معلوم نیست که واقعا چه نکته مثبتی در طرح صلح فهد بود که اینچنین یاسر عرفات را شیفته این طرح کرده است. در حالیکه عرفات می داند اسرائیل هرگز موجودیت یک دولت فلسطینی را در جوار خود

سازمان آزادیبخش فلسطین است که اسرائیل ترکانازی می کند. در حالیکه تا چند سال قبل رهبران فلسطینی را نه تنها یارای سخن گفتن درباره «همزیستی مسالمت آمیز» با اسرائیل نبود بلکه سادات خائن را بخاطر انعقاد قرارداد صلح جداگانه با اسرائیل به سازشکاری و تسلیم شدیداً مورد حمله قرار می دهند. و شاید هم انور سادات ماهیت اینان را می شناخت که زمانی گفته بود کاری که من کردم دیر یا زود همه اعراب انجام خواهند داد منتهی من در این مسیر پیشقدم شدم. اشکال عمده ای که طرح صلح کمپ دیوید

مراکش در دام.....

منطقه را به آشوب و تشنج کشانده و بعد به متشنج تشنج بودن منطقه و عدم وجود امنیت و ثبات به کشورها و رژیمهای وابسته به خود کمک نظامی میکند. یکی از کشورهای که آمریکا در آن از چنین سیاستی استفاده کرده مراکش است که اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا دارد. آمریکا اگر نتواند تسلط خود بر مراکش را حفظ کند، نخواهد توانست از بزرگترین منبع فسفات جهان استفاده کند از طرف دیگر مراکش بدلیل اینکه یکی از حلقه های کمربند آمریکا است آمریکا با از دست دادن آن یکی از پایگاههایش را گوشه دنیا از دست خواهد داد. و بهمین جهت مراکش برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به مجموعه عوامل ذکر شده است که آمریکا بر تسلط خویش بر مراکش اصرار می ورزد و ملاحظه میشود که از طریق پنتاگون هیئت های نظامی جهت مذاکره به مراکش اعزام میشوند و آمریکا با تبلیغات سرسام آور خود مبنی بر حمایت اعراب و حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور مراکش در صدد توجیه اعمال خویش بر می آید آمریکا با مراکش به توافق رسیده اند که کمکهای نظامی زیادی از وسایل جنگی مدرن در اختیار مراکش گذاشته شود. ۱۶۰ تانک ۶۰ عکاس از جمله ابزار جنگی است که در اختیار شاه حسن قرار خواهد گرفت از طرف دیگر

فرانسه تیز با فروش ۵۰۰ میراژ سعی تثبیت حکومت مغرب دارد. وابستگی نظامی مغرب به آمریکا تا بدانجا پیش رفته است که مغرب ممکن است از آمریکا اوکس خریداری کند. و این احتمال پس از تصویب فروش هواپیماهای اوکس به عربستان سعودی توسط سنای آمریکا قریب الوقوع تر مینماید. چرا که دولت مغرب می اندیشد که با داشتن این گونه هواپیما خواهد توانست مبارزین صحرا را سرکوب نماید. جنگ با مبارزین صحرا باعث شده است که هزینه نظامی مراکش رو به افزایش گذارد. تعیین میزان هزینه واقعی جنگ چه از جهت پولی و چه از جهت نیروی انسانی برای مراکش مشکل است. لازم به تذکر است که بخش زیادی از هزینه جنگی مراکش از طرف سعودیها تامین میشود. علاوه بر وابستگی نظامی، مراکش از نظر اقتصادی نیز دارای سیستمی وابسته میباشد. در زمینه صنعت ملاحظه میشود که بیشتر کارخانه های مراکش در دست خارجیان بویژه سرمایه دارهای آمریکایی و آلمان غربی است. از طرفی دیده میشود که ۱/۴ میلیون مراکشی در کشورهای غربی کار میکنند و بسیاری از آنها در این کشورها آموزش می بینند. رشد اقتصادی کشور در سالهای ۳۰۷۸-۷۹ در حد کاهش داشته و همین کاهش باعث کند

شدن بخشهای ساختمان، صنایع اتومبیل و حتی واردات کشور شده است. میزان سرمایه گذاری دولت در بخش صنعتی در طول سال گذشته به میزان زیادی نزول کرده است. این میزان که در سال ۷۷، هفتاد و دو میلیون دلار بود بعلت وضع نابسامان اقتصادی در سال ۱۹۷۸ - به ۸/۵ میلیون دلار و در سال گذشته با ۳/۵ میلیون دلار رسید و این بزرگترین ضربه بر بیکر اقتصادی مراکش بود. در بعد سیاسی نیز دخالت آمریکا در مراکش از طریق سازمان امنیت مراکش که شاخه هایی از سازمان ضد جاسوسی آمریکا در منطقه است تحمیل میشود. از این مرکز است که انواع و اقسام توطئه ها علیه مبارزین صحرا و مخالفین داخلی صورت میگیرد و انواع شیوه ها جهت سرکوب هر نیروی مخالفی طرح و اجرا میشود. در حقیقت میتوان گفت که شاه حسن - مراکش را که قبلا جایگاه استعمار و فرهنگ و طرز تفکر فرانسویان بود به پایگاهی برای آمریکا و انهم پایگاه قوی و مطمئنی البته از دریچه چشم امپریالیستها تبدیل کرده است. بطوریکه حتی شاه حسن فراموش کرده که کشورش یک کشور عرب و مسلمان است و در مناقشات و درگیریهای اعراب و اسرائیل علاوه، از حضور ارتش خود جهت دفاع از آرمان اعراب در منطقه جلوگیری نمود. ادامه دارد

همزیستی... آشتی...

اهمیت نقش عربستان سعودی بایستی مورد توجه قرار گیرد. و چند روزی نمی گذرد که جنجال طرح صلح فهد اوج می گیرد و رفت و آمدها شروع می شود. این طرح چنان اسرائیل و آمریکا را به وجد می آورد که یکی از مقامات اسرائیلی می گوید این برای اولین بار است که یک مقام سعودی به موجودیت اسرائیل رسماً اعتراف می کند. رهبران فلسطین گویی چنان از عمق فاجعه بی خیرند یا خود را به جهالت زده اند که با وجود اینهمه اقدامات نظامی آمریکا در منطقه که حاکی از یک دیپلماسی میلیتاریستی دراز مدت در منطقه است هنوز از خواب بیدار نشده و برای بدست آوردن قطعه زمینی به استان بوسی شاهزاده سعودی رفته اند و نمیدانند که اگر قرار بود این یکی مراد بدهد آمریکائیان اینگونه راحت براو و دیگر متولیان جزیره العرب سوار نبودند.

خلاصه کلام اینکه سالهای مدیدی است که روند صلح آمریکایی در خاورمیانه جریان داشته و دارد ولی هرگز به این مرحله حساس و خطرناک نرسیده بود گرچه موضع گیری قاطع امام خمینی توانست مهر سکوت را از لسان بعضی از رهبران عرب برگرفته و این طرح را در کنفرانس فاس به شکست بکشاند ولی یقیناً آمریکا طرح فهد و طرحهای دیگر خود را پیگیری خواهد کرد و لازم است که رهبران فلسطینی چشمهایشان را گشوده و از خواب غفلت برخیزند و پیروزی عملیات ثامن الائمه و طریق القدس ایران را در جنگ با رژیم مزدور عراق که پشتیبانی بلوک شرق و غرب را بدنبال خود دارد الگویی برای مبارزه رهاییبخش خود قرار دهند و بدانند که آمریکا امامزاده ای نیست که به آنان مراد دهد. والسلام

اقتصاد اسلامی...

باید سیستم توزیع کالا و نظام بازار تغییر یابد و بازار اسلامی گردد. کشاورزی باید احیا شود و بدنبال جهاد سازندگی باید کشاورزی آغاز گردد. ملت باید بداند که برای حفظ دست آورد های انقلاب باید استقلال اقتصادی داشته باشد. همه نیروهای انسانی را باید آموزش داده و بکار بیاندازیم تا کشور از هر جهت خودکفا شود و نیاز اقتصادی و انسانی به کشورهای دیگر نداشته باشیم و همچنین بیکاری را در هر شکل و صورت از بین ببریم. اقتصاد کشور باید براساس اسلام رشد کند و هماهنگ با انقلاب و رشد اقتصادی انقلاب فرهنگی و اخلاقی نیز باید بگونه ای صورت گیرد و تعالی یابد که در آینده جامعه ای براساس برادری و مساوات ایجاد کنیم جامعه ای که همه در کنار هم برادروار اقتصاد خویش را براساس اینار بنا نمانیم. بامید پیروزی اسلام و نابودی هر نحو استبداد، استثمار و ظلم و تعدی...